



انتشارات توس

۱۳۴۵

مقالات تقی زاده

جلد هفتم

زندگی طوفانی

به کوشش

ایرج افشار

سرشناسه
عنوان و پدیدآور : مقالات تقی‌زاده / زیر نظر ایرج افشار
مشخصات نشر : تهران: توس، ۱۳۸۵
مشخصات ظاهری : ۲۲ ج. مصور، عکس
شابک : (دوره ۵- 978-964-315-669-5 ج. ۷) 978-964-315-644-2
یادداشت : ج. ۷ (چاپ اول: ۱۳۹۰) (فیبا)
یادداشت : کتابنامه
مندرجات : ج. ۱. مشروطیت، ج. ۷. زندگی طوفانی
موضوع : مقاله‌های فارسی - قرن ۱۴
شناسه افزوده : افشار، ایرج، ۱۲۰۴ -، گردآورنده
رده‌بندی کنگره : ۱۳۸۴ م ۷۱۴ ق / PIR ۷۹۹۴
رده‌بندی دیویی : ۸۷۴/۶۲
شماره کتابخانه ملی : ۸۴-۱۵۹۵۶



مقالات تقی‌زاده (جلد هفتم)

زندگی طوفانی

سید حسن تقی‌زاده

به کوشش ایرج افشار

چاپ سوم (اول توس): ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: ندای دانش

۱۸۰۰۰ تومان

ISBN 978-964-315-644-2

۹۷۸-۹۶۴-۳۱۵-۶۴۴-۲

شابک جلد هفتم:

ISBN 978-964-315-669-5

۹۷۸-۹۶۴-۳۱۵-۶۶۹-۵

شابک دوره ۲۲ جلدی:

کلیه حقوق چاپ و انتشار این اثر - به هر صورت - محفوظ و مخصوص انتشارات توس است.

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، اول خیابان دانشگاه، پلاک ۱ - تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۷، فکس: ۶۶۹۷۰۶۷۷

دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خ دانشگاه بن بست پورجوادی شماره ۱۵ - تلفن: ۶۶۴۹۱۴۴۵-۷

نشانی اینترنتی: www.toospub.com پست الکترونیک: info@toospub.com

فهرست مندرجات

۷	یادداشت، از ابرج افشار
۱۷	سبب نامه
۱۹	خانواده پدری
۲۹	دوره کودکی و جوانی
۴۱	سفر شامات و مصر
۴۹	بازگشت به تبریز - نهضت مشروطه و سلطنت محمدعلی شاه
۵۵	به سوی تهران، وکالت در مجلس اول
۸۷	دوره تبعید از ایران - قفقاز - پاریس - لندن
۱۰۵	بازگشت به ایران، اقامت تبریز - وکالت مجلس دوم
۱۴۰	دوری اجباری بار دوم - دوره اقامت استانبول و اروپا
۱۵۳	سفر آمریکا - دعوت آلمانها به همکاری
۱۵۹	سفر آلمان - کمیته ملیون ایران
۱۶۷	مأموریت مسکو - برای عقد عهدنامه تجاری
۱۶۹	مأموریت لندن - مذکره با مکدونالد
۱۷۳	بازگشت به ایران - دوره های پنجم و ششم
۱۸۱	بازگشت از آمریکا و آلمان، دوره هفتم - والیگری خراسان
۱۸۹	مأموریت لندن - تیمورتاش و داور - وزارت طرق و مالیه - قرارداد نفت
۲۱۷	قضایای سفارت پاریس، دوره اقامات برلن تدریس در لندن
۲۲۹	دوره سفارت لندن، جنگ جهانی - قضایای آذربایجان
۲۴۱	نماینده در مجلس پانزهم، مجلس مؤسسان - مسئله انحلال مجلس
۲۵۱	مجلس سنا و قضایای آن، ریاست آن مجلس

چند مطلب جدا جدا

۲۷۵	 اشخاصی که در مشروطیت سهمی داشتند
۲۸۳	 مخبر السلطنه، سعدالدوله، احتشام السلطنه
۲۹۱	 قتل امین السلطان اتابک
۲۹۵	 سردار اسعد و شیخ خزعل
۲۹۹	 اختلاف سیاسی میان اعتدالیون و دموکراتها
۳۰۷	 درباره چند تن از مرهان سیاست
۳۱۹	 مسافرتها
۳۲۳	 مطالب متفرقه
۳۲۷	 فهرست اعلام

یادداشت

سید حسن تقی‌زاده در چند مرحله از زندگی مصدر وقایع و متصدی مناصب مهمی قرار گرفت و حوادثی بر او گذشت که طبعاً آگاه شدن از آنها برای مورخان تاریخ معاصر ایران ضرورت دارد. به همین ملاحظه است که خاطرات و اسناد بازمانده از او را باید به

۱- اهم آنهاست: طلبگی، وکالت آذربایجان در دوره اول و ایراد قطعه‌های انقلابی، پناهنده شدن به سفارت انگلیس و تبعید شدن به اروپا، اقدامات سیاسی ضد محمدعلی شاه در اروپا، وکیل آذربایجان و تهران در دوره دوم، صدور حکم فساد سیاسی علیه او از طرف علما و اجبار به خروج از ایران، همکاری با آلمانها برای مبارزه با روس و انگلیس و تشکیل کمیته ملیون ایرانی و نشر مجله کاوه، مأموریت عقد قرارداد بازرگانی با اتحاد جماهیر شوروی، وکیل مجلس در دوره‌های پنجم و ششم و مخالفت با انقراض سلسله قاجار و واگذاری حکومت موقت به رضاخان پهلوی، والیگری خراسان، وزیر مختار در انگلستان، وزارت طرق، وزارت مالیه و امضای قرارداد تمدید امتیاز نفت، وزیر مختاری در فرانسه، مغضوب شدن نزد رضاشاه و انصراف از بازگشت به ایران، تدریس در دانشگاه لندن، سفارت کبرای ایران در انگلستان، نماینده ایران در شورای امنیت برای طرح شکایت ایران علیه شوروی به مناسبت خارج نشدن قوای شوروی از ایران، وکیل مجلس دوره پانزدهم، سناتور و رئیس مجلس سنا، استادی دانشگاه تهران.

تحقیقاتی که تاکنون در احوال تقی‌زاده شده است عبارت است از رساله مرحوم دکتر مهدی مجتهدی که به نام تاریخ زندگانی تقی‌زاده در سال ۱۳۲۲ نشر شد. ایشان همین رساله را بعد با تفصیلی چند برابر به نام «تقی‌زاده، روشنگریها در مشروطیت ایران» در سال ۱۳۵۷ منتشر کرد. در زبان انگلیسی رساله ختم تحصیلات دکتر آقای دکتر غلامرضا وطن‌دوست (واشنگتن ۱۹۷۷) درباره سید حسن تقی‌زاده است در سالهای اخیر دو دانشجوی ایرانی یکی در آمریکا یکی در آلمان موضوع رساله‌های تحصیلی خود را پژوهش در کارهای سیاسی تقی‌زاده گذارده‌اند. درباره انتقاداتی که نسبت به افکار و اعمال تقی‌زاده شده و مأخذی که در این باره هست در پیوست بیست و سوم به تفصیل پرداخته شده است.

چاپ رسانید تا منتقد و معتقد او - دو گروه کاملاً متفاوت - بتوانند در تحقیقات خود ازین «سرگذشت خود گفته» بهره‌ور شوند و اگر آن را برای دستیابی به سرچشمه واقعیت‌جوئی در تاریخ مفید دانستند در خواندن گیرند.

چاپ شدن این «مدرک» همانند دیگر اسنادی ازین قبیل که تاکنون چاپ کرده‌ام و ازین پس نیز در صدد چاپ هستم دلالت بر آن ندارد که چاپ‌کننده معتقد و موافق با همه مطالب آنهاست و آنچه در آنها آمده درست است و تمامی واقعیت است. جزین چنین کتابها را به منظور تبلیغ و هیاهو و دفاع و حمایت، یا طرد و لعن و انتقاد و شماتت چاپ نکرده است و بی‌غرضان خود دانند هیچگاه چنان نخواهد کرد.

این خاطرات، چه مطابق پسند موافقان تقی‌زاده باشد و چه آنکه نشر آن بی‌فایده و حتی مضر دانسته شود. در هر حال سندی است که می‌تواند برای سنجش و مطابقه میان مدارک و مآخذ و سخنان دیگری که مربوط به زندگانی و افکار و اعمال تقی‌زاده نشر شده است مفید واقع شود و محقق ژرف‌نگر و مورخ بی‌غرض را به کار آید و صحیح را از سقیم جدا کند و درستی از نادرستی باز شناخته گردد.

من بسیار خوب آگاهم که تقی‌زاده به جهت پناهندن به سفارت انگلیس از ترس جان به هنگام حمله محمدعلی شاه به مجلس و فاتحه خواندنش به اصول مشروطیت، مبارزه دائمی با تجاوزات سیاسی روسیه (در همان روزگاران) و شوروی پس از آن، اعلام نظریه لزوم فرنگی مآبی به ایرانیان، امضای قرارداد تمدید امتیاز نفت با انگلیسها، قبول کارهای دولتی و دولتی‌نما در دوره رضاشاه و پس از آن، طرح شکایت ایران نسبت به عدم خروج قوای شوروی از ایران در شورای امنیت دارای دشمنان سیاسی و مخالفان اعتقادی واقعی و قوی است. اینان طبعاً بسیار از اعمال او را شدیداً نفی و نقد کرده‌اند و می‌کنند. دامنه انتقاد گاهی به آنجا می‌کشد که برخی منکر فایده اطلاعات علمی او در مسائل تاریخی و تحقیقی هم شده‌اند و در قبال اعمال سیاسی او که آنها را مفید به حال کشور نمی‌دانند می‌گویند ضررهای سیاسی او بیش از فواید کارهای علمی اوست به هر تقدیر تقی‌زاده دارای دو جنبه است: یکی سیاسی و دیگری علمی.

موقعی که او درگذشت در مقاله مفصلی (سیزده صفحه) که راجع به روحیه علمی و کارهای فرهنگی او نوشتم به این نکته اشاره کردم که:

«کسانی می‌توانند اندیشه‌های سیاسی و فکری او را درست بنمایانند که آثار او را درین زمینه‌ها به دقت خوانده و در مسلک و مشرب و تفکر با او همراه بوده‌اند.» اینک هم به تأکید و تصریح می‌نویسم که چون ارتباط من با او منحصر بوده است به امور فرهنگی و کتابی به چاپ این کتاب می‌پردازم، هر چند خوشایند جمعی از دوستانم نباشد. امیدوارم چاپ این کتاب هم به همان مناسبت تلقی شود و تیر آوران طعنه‌پرداز اهتمام مرا در نشر این کتاب براساس تصورات واهی خود حمل بر تقارب مشرب نکنند و ندانند. به یک عبارت عرض کنم که من به هیچوجه و هیچگاه در هیچ مسلک و معبری که مدعیان کوشیده‌اند مرا در آنجا قرار بدهند نبوده‌ام و نیستم.* حتی شاید گروهی حاشیه‌پرداز و حاشیه‌نشین این نکته را به «ریشخند» زمزمه کنند و در عجب بمانند از اینکه چاپ‌کننده خاطرات مصدق و تقی‌زاده یک نفرست!



این خاطرات منحصرأحوالی جریانهای عمده و قسمتی از وقایع و حوادث زندگی تقی‌زاده است. از همین روی غالباً از بیان و شرح جزئیات مسائل عاری است. طبعاً این مجموعه کل خاطرات تقی‌زاده نیست. او می‌توانست بیش ازین و گاه روشنتر ازین دانسته‌ها و یادمانده‌های خود را گفته باشد. کما اینکه درین خاطرات اشاره‌ای به طرز انتخابات دوره اول سنا و مبارزه شدید مصدق در آن قضیه مطلبی ندارد. در حالی که در میان اوراق او یادداشتی به خط مرحوم حسین علاء دیدم که نام مناسبان سنا در آن قید شده و حتماً مربوط به قبل از رأی‌گیری است. این سند در جلد دوم که به اسناد و مدارک اختصاص دارد چاپ خواهد شد. از طرفی طبیعی است خاطره‌گو آنچه را می‌پسندد و به یاد دارد می‌نویسد و همان را می‌خواهد بر جای گذارد. جزین تقی‌زاده عمده این خاطرات را در سالهای خستگی و پیری و درماندگی گفته است. نتیجه آنکه این خاطرات جامع آنچه تقی‌زاده می‌دانست نیست.

از این که تقی‌زاده تقریباً تمام نامه‌ها و نوشته‌ها و اوراق زندگی خود را نگاه‌داری کرده بود شاید به منظور آن بوده است که روزگاری آنها را در نگارش سرگذشت و وقایع زندگی خویش و حوادث و جریانهای سیاسی که در آنها دخالت داشته است به کار گیرد و براساس

* البته بعد از نشر این کتاب هم دو سه جا باز چنین وهمی عنوان شده بود و من پاسخی ندادم، زیرا دامنه افترا و نهمت فراخ است. باکم از ترکان تیزانداز نیست.

آن اسناد و مدارک تاریخی از خود بر جای گذارد. ولی «ای بسا آرزو که خاک شده است.» تقی‌زاده بعضی از مطالب مندرج درین خاطرات را که عمده مرتب با حوادث دوره مشروطیت است در زمانهای مختلف به نگارش درآورد و نشر کرد و من تقریباً همه آنها را به تفاریق در دوره ده جلدی مقالات تقی‌زاده به چاپ رسانیده‌ام.

افسوس که تقی‌زاده در بازگویی خاطراتش نظری و عنایتی به مسائل فرهنگی و فعالیت‌های علمی در ایران نداشته. اگر از بستگیها و مذاکرات علمی خود با امثال قزوینی و پورداد و اقبال و مینوی و علل و نحوه حمایت از آنان و نیز از مباحثات و روابط خود با مستشرقان مشهوری چون مارکوارت و هنینگ و بیلی و مینورسکی سخنی گفته بود جامعیت خاطرات بیشتر می‌بود.



نسخه اصلی خاطرات که تقی‌زاده بر پیشانی صفحه اول آن خود نوشته است «نسخه اصلی» در دست همسرش عطیه تقی‌زاده بود. تقی‌زاده چنانکه از همسرش شنیدم توصیه کرده بود این خاطرات زودتر از ده سال پس از مرگش به چاپ نرسد. ناچار خانم تقی‌زاده چون تصور کرده بود که بعضی از مطالب سرگذشت متناسب با سالهای پیش از ۱۳۵۸ نیست و موافق با طبع بعضی مقامات نخواهد بود به چاپ شدن یادداشتها پیش از زمانی که تقی‌زاده گفته بود علاقه نداشت. یگانه کسی که آن را خوانده ظاهراً مرحوم سپهبد فرج‌الله آق‌اولی است.^۱ تا اینکه سال ۱۳۵۸ مقارن افتاد با همان ده سالی که تقی‌زاده برای انتشار خاطرات تعیین کرده بود.

۱- مرحوم حبیب یغمائی چند پاره از خاطرات را که ممانعتی در چاپش احساس نمی‌کرد در مجله یغما به چاپ رسانید با عناوین زیر:

- اشخاصی که در مشروطیت سهمی داشتند، ۲۴ (۱۳۵۰): ۷۰۶۵.

- [دریاره وقایع مشروطیت]، ۲۵ (۱۳۵۱): ۷۰۱ و ۲۶۴-۲۷۱.

- سردار سپه و خزعل، ۲۸ (۱۳۵۴): ۴۸۳-۴۸۲.

- قرارداد وثوق‌الدوله و رشوه گرفتن او، ۲۸ (۱۳۵۴): ۳۳۶-۳۳۵.

من هیچ‌گاه از مرحوم یغمائی نپرسیدم آنها را از کجا به دست آورده بود. اما تصور بر آن است که مرحوم سپهبد آق‌اولی آن بخشها را که ایجاد مزاحمتی نمی‌کرده است در اختیار یغمائی گذارده بود تا به چاپ برساند. لزوماً گفته شود یک نسخه فتوکپی ازین خاطرات را همسر تقی‌زاده به آقای سید محمدعلی جمالزاده داده بود و ایشان فتوکپی آن را در اختیار آقای دکتر جواد شیخ‌الاسلامی گذارده بودند و ایشان بعضی قسمتهای آن را در مقالات خود نقل فرموده و بدانها استناد کرده‌اند، مقالات ایشان اکثراً در مجله آینده چاپ شده است. چند قسمت از خاطرات را هم خودم در آینده به تفاریق چاپ کرده‌ام.

همسر تقی‌زاده پس از اینکه در سال ۱۳۵۸ به انگلستان رفت و تصمیم کرد روزهای پایان عمر را در آنجا بگذراند، مرا که در زمستان آن سال به قصد سفر امریکا به لندن رسیده بودم به شهرک برایتون خواست و «نسخه اصلی» خاطرات را به من داد و گفت چون ازین پس موانع سیاسی برای چاپ خاطرات در میان نیست هر وقت توانستی آن را به دست چاپ بسپار تا به دسترس علاقه‌مندان برسد و نیت شوهرم برآورده شود.

این خاطرات به استناد اوراق موجود ماشین شده (که با حروف ماشین تحریرهای متنوع و کاغذهای مختلف است) حکایت از ماشین شدن آنها در زمانهای مختلف دارد. به علاوه آنچه خود از تقی‌زاده و دیگران شنیده‌ام مجموعه موجود مبتنی است بر دو پایه و اساس:

۱) مطالبی که در نوار گفته شده و کسی از روی آن متن را بیرون‌نویسی کرده است. مقداری از اوایل این اوراق را تقی‌زاده دیده و بعضی ملاحظات و اصلاحات مختصر به خط خویش در آنها کرده است. آن نوارها را هم به من داد و اینک در گنجینه پژوهشی من در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی نگاه داری می‌شود.

اما در قسمتهایی ازین اوراق اصلاحات و الحاقات به خط دیگری هست که هنوز من نتوانسته‌ام دریابم به خط کیست. آن قدر که حدس می‌زنم این است که تقی‌زاده از کسی خواسته بوده است تا آن اشخاص اوراق را برآورد می‌خوانده و تقی‌زاده پس از شنیدن گفته‌های پیشین خود نظرهای اصلاحی و ضروری را می‌گفته و آن شخص در متن وارد می‌کرده است. و ظاهراً همان سپهبد فرج‌الله آق‌اولی است. امکان دیگر آن است که تقی‌زاده متن را به یکی از دوستان معمر مورد اعتماد خود داده و از او خواسته بوده است متن را آراستگی بدهد تا «گفته‌های نواری» به طور بهتری برای خواننده آینده مفهوم باشد.

گفتن این نکته هم ضرورت دارد که ممکن است ندرتاً بعضی از کلمات به جهت بد شنیدن استخراج‌کننده نوار غیر از آن صورتی باشد که تقی‌زاده ادا کرده بوده و در نوار ضبط شده است.

جزین جای جای قسمتی از ورقها پاره و نیمه شده است. هیچ مشخص نیست که تقی‌زاده خود بریده یا سپهبد فرج‌الله آق‌اولی یا سپهبد امان‌الله جهانبانی (که شنیدم این اخیر هم خاطرات را دیده بوده است). به هر حال همسر تقی‌زاده درین بریدنها دخالتی

نداشته است چون قادر به خواندن متن نبود و امید نیست روزی نسخه ماشینی دیگر آن به دست آید مگر آنچه در اختیار دکتر شیخ‌السلامی قرار گرفته بوده است.

(۲) شق دیگر این است که تقی‌زاده الحاقات و اصلاحات را می‌گفته و دیگری عبارات تقی‌زاده را مستقیماً یادداشت می‌کرده است. به هر حال عبارات این قسمتها روشن‌تر و منظم‌تر است.

از شخص تقی‌زاده شنیده بودم و دیگران هم تکرار کردند که تقی‌زاده یکبار هم در دوره ریاست مجلس سنا به صرافت تهیه خاطرات خود برآمد و نوشته‌هایی به تحریر آقای سهراب‌وند فراهم آورده بود. اما آن متن تهیه شده روزی که در اتوموبیل گذاشته بود ربهوده می‌شود و از دست او به در می‌برند. چند بار به تأکید و نوعی حسرت این مطلب را می‌گفت و از ظاهر سخنش اینطور برمی‌آمد که ربهوده شدن آن اوراق را به قرائنی عمل شخص عادی نمی‌دانست و می‌خواست بفهماند که ایادی دولتی ربهوده‌اند.*

تقی‌زاده حافظه‌ای قوی و مبسوط داشت و دامنه صحبتش به روزگارهای دورودراز کشیده می‌شد. پیرمردانی که دارای چنین حافظه‌ای باشند معمولاً حافظه زمانی نزدیک ندارند و فراموش می‌کنند که دیروز چه کرده‌اند و چه گفته‌اند. حتی در حین صحبت کلمات موردنظر را از یاد می‌برند و مطلبی را در یک مجلس به تکرار می‌گویند.**

حافظه تقی‌زاده گاه آنقدر به جابود که ضمن بیان جزئیات زندگی تاریخهای وقایع دور را به روز و ماه به یاد می‌آورد و در نقل حوادث قدیم، آن هم در دفعات مختلف و به فاصله زمانی چند سال، آنقدر مسلط و حافظه‌اش یکنواخت بود که اختلاف روایت و چندگونگی اساسی در گفته‌هایش پیش نمی‌آمد. نمونه‌اش شرح بعضی از اتفاقات است که در همین کتاب دو سه بار گفته شده است و تفاوت اساسی و عمده در آنها مشهود نیست.

* دکتر حسینعلی هروی در مورد یادداشت‌هایی که مرحوم مجتبی مینوی از خاطرات تقی‌زاده درباره قرارداد نفت در لندن یادداشت کرده بود و از خانه مینوی ربهوده شده است شرحی نوشته و در مجله آینده سال ۱۳ (۱۳۶۶) (ص ۴۸۹-۴۹۲) چاپ کرده است. اگر چه کسی دیگر از چنین موضوعی اطلاع نیافته است ولی از باب کنجکاوی محققان بعدی ضرورت داشت اشاره‌ای به گفته ایشان بشود. در مورد روایت آقای هروی توضیحی در همان مجله داده‌ام و تکرار نمی‌کنم.

** گاه تکرارگویی تقی‌زاده به قصد تأثیرپذیری مطلب در شنونده هم بود.

عادت تقی‌زاده برین بود که در نقل حکایات گذشته، به تداعی معانی یا به ضرورت و اقتضا و شاید به منظور تأثیر و تناسب حال، از یک مطلب به مطلب و مطالب دیگر می‌پرداخت. مطلب نخستین را که نیم‌مانده بود فراموش نمی‌کرد و با آوردن چند مطلب که طرداً للباب به یادش می‌افتاد باز به همان مطلب نخست برمی‌گشت و شنونده خود را از چندین قضیه مطلع می‌کرد. اغراق نیست گفته شود که گاه در این «لابلاتی و درهم‌گوئی» شش هفت مطلب به میان می‌آمد و شنونده اغلب سردرگم می‌شد. چه بسا که شنونده مطالب شنیده را درهم می‌آمیخت. ولی تقی‌زاده چون دارای ذهنی مرتب و روحیه علمی بود با حافظه قوی قدیم رشته سخن را از دست نمی‌داد و چیزی در ذهنش ممزوج نمی‌شد و به قدرت حافظه بود که اشتباه و خلطی برایش پیش نمی‌آمد و سخنش را منسجماً دنبال می‌کرد.

بر این روال است که درین خاطرات می‌بینیم ضمن سخن گفتن از دوره محمدعلی شاه به مناسبتی مطالب مربوط به روزگار رضاشاه و یا دوره نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق را به میان آورده و باز به سخن اصلی خود بازگشته است. مثالش موضوع گرفتن جواهرات سلطنتی از محمدعلی شاه است که تقی‌زاده وضع تقویم جواهرات در زمان تصدی وزارت مالیه را گفته و از آن به مسئله نقل طلاهای ایران از افریقای جنوبی به امریکای شمالی در زمان نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق پرداخته است.

تقی‌زاده مطلب را پاره پاره و به دفعات گفته و هر بار اساس سخن‌گویش مربوط به یکی از وقایع بوده است. به این ملاحظه در بیان کردن خاطرات گاهی ترتیب تاریخی را در نظر نداشته. شاید می‌خواسته است بعدها آنها را منظم کند.

من در تنظیم یادداشتها ناچار بودم تقدم و تاخير كامل مطالب را بحسب وقوع حوادث رعایت کنم و این کار را تا جایی که صدمه‌ای اساسی به روال کلی صحبت‌های او نمی‌زده است اعمال کرده‌ام. ناگزیر مطالب مربوط به یک موضوع را که چند بار گفته و چند جا آمده پی هم آورده‌ام و آنچه را به هم مربوط بوده است در یک مبحث گذاشته‌ام و اگر مطالب چندان تکراری بود که قابل درهم کردن نبود روایت دوم را در حاشیه آورده‌ام که حفظ امانت شده باشد. مع‌هذا هنوز مطالبی هست که در دو سه جا آمده است.

شاید گروهی ایراد بگیرند بهتر آن بود که «گفته‌های نواری» بند به بند خوانده و به انشاء و تحریر منظم‌تری بازنویسی شده بود. (به اصطلاح امروزیان ویراستاری ذوقی و من در آوردی می‌شد) ولی چاپ‌کننده خاطرات خواسته است حتی المقدور اصالت گفته تقی‌زاده، حتی در الفاظ، از تصرف برکنار بماند. بارها از تقی‌زاده شنیدم که می‌گفت وقتی می‌خواهید کلمه‌ای را استعمال کنید مواظب باشید که از حدود مفهومی که مورد نظر است دراز دامن‌تر و دور از مقصود نشود. روشن است که انشاء و عبارات این خاطرات چون برگرفته از سخنان گفتاری نواری است آن روانی را که یک متن نوشته شده دارد ندارد.

تنظیم و چاپ این خاطرات از دشوارترین کارهایی است که انجام داده‌ام. درهم بودن، پارگی اوراق، چند پاره بودن و دوباره‌گونیها از زمره دشواریهای اصلی کار بود. دوستم دکتر جواد شیخ‌الاسلامی که نسخه خاطرات را دارد و آن را خوانده است در یکی از مقالات خود متذکر همین مطلب شده و گفته است برای مفهوم بودن عبارات ناچار از آن شده است که بعضی اصلاحات در عبارات گفته‌ها بنماید.

من هم گاه کلمه‌ای افزوده‌ام یا کلمه‌ای کاسته‌ام، یا چند کلمه را برای روشن بودن عبارت پس و پیش کرده‌ام، یا به جای فعل نامتناسبی (از حیث زمان) فعل متناسب گذارده‌ام، یا به تطبیق دادن فعل و فاعل (که در متن گاه فاعل مفرد و فعل جمع و یا برعکس بوده است) پرداخته‌ام. اما حتی المقدور مقید بوده‌ام که در الفاظ او تصرفی حاصل نشود زیرا همان‌طور که یادآوری شد تقی‌زاده برای هر کلمه مرزوحدی قائل بود و همیشه با حساب و دقت طوری کلمه را استعمال می‌کرد که مفهوم معین مورد نظرش در ذهن شنونده و خواننده جا بگیرد. اما در مواردی هم (که تحت تأثیر زبان مادری بوده) ضرورت داشت کلمه‌ای به کلمه دیگر تبدیل شود تا عبارات روشن و زود مفهوم‌شدنی باشد، مانند استعمال «این» به جای «او» به طور مثال که در موارد زیادی به جای شاه یا او گفته است «این».

هر جا کلمه‌ای به ضرورت افزوده‌ام آن را در [] گذارده‌ام. در مواردی که کلماتی ناخوانده و یا عبارتی مانده است فعلاً نیاورده‌ام (مانند صفحات ۴۰، ۴۱، ۴۲) هر مورد را جدا جدا یادداشت و قید کرده‌ام و به جای ناآمده‌های زمانه‌ای... (سه نقطه) آمده است.

از دخالت‌های دیگر من عنوان‌بندیهای جزئی و شماره‌دادن به فصل‌بندی در هر بخش است. این کار را برای سهولت خواندن و مراجعه کردن کرده‌ام. هر کجا عنوان از تقی‌زاده باشد آن را یادآور شده‌ام.

می‌خواستم این کتاب را با نام «خاطرات و ملاحظات» چاپ کنم و «زندگی طوفانی» به اتکای اشاره‌ای که خود کرده است عنوان فرعی باشد (اصطلاح ملاحظات را از عنوان سرمقاله‌های تقی‌زاده در مجله کاهو اخذ کرده بودم). ولی عاقبت نام «زندگی طوفانی» را بهتر، گویاتر و پسندیدتر دانستم زیرا زندگی آن مرد اغلب طوفانی بوده است. زندگی طولانی دوبار پیش از این چاپ شد (توسط آقای مهدی علمی) یک بار فقط متن و بار دوم با مدارک اسناد. اینک با اجازه لطف‌آمیز ایشان چاپ سوم در سلسله مقالات تقی‌زاده به چاپ رسانیده می‌شود در دو جلد (یکی خاطرات و یکی اسناد و مدارک مرتبط به متن).

یومپلیتز (برن) - سوئیس

زمستان ۱۳۶۲

بازبینی شده در فروردین ۱۳۸۹

ایرج افشار